



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۱/۰۴

داکتر نوراحمد خالدي

محرومیت اقتصادی-اجتماعی پشتونها و مناطق پشتون نشین در دوران جمهوریت!

در بیست سال حاکمیت دولت جمهوری در افغانستان (2001-2021) در عرصه های اقتصادی-اجتماعی و بخصوص، رشد عایدات مردم، بی عدالتی گسترده یی بوقوع پیوسته است که قربانیان آن پشتونها و ولایات پشتون نشین بوده اند. احصایه های رسمی که توسط اداره ملی احصایه و معلومات جمع آوری و نشر شده اند شاهد این ادعا اند. ولایات شمال و مرکزی بیشترین بودجه دولت را تصاحب شدند و بیشترین انکشاف اقتصادی-اجتماعی را تجربه کردند. دونه ها و پی آر تی های قوای امریکایی و متحدان آنها نیز نه تنها به نسبت امن بودن ولایات شمال و ولایات مرکزی، بلکه حتی هم به دلیل تمایلات سیاسی شان، بودجه و پروژه های بی شمار را برای ولایات شمال و مرکزی اختصاص داده بودند. ولایاتی چون پروان، کاپیسا، پنجشیر، بامیان، بلخ، شبرغان و هرات از نظر اقتصادی-اجتماعی بیشتر انکشاف کردند ولی ولایت کندهار، هلمند، زابل، وردگ، پکتیا، پکتیکا و خوست، کنر، لغمان کمترین رشد اقتصادی را داشتند. زورمندان شمالی و بلخ حتی به شرکت ها و متصدیان پشتون تبار اجازه نمی دادند تا در ولایات شمال به خصوص پنجشیر و بلخ کار کنند و حتی آنها را ترور می کردند و یا هم باج و خراج می گرفتند.

همچنانکه موقعیت جغرافیایی شمالی و پنجشیر به احمدشاه مسعود و متحدان آن فرصت طلایی داد تا کابل را بعد از سقوط داکتر نجیب الله اشغال نمایند، همین فرصت یک بار دیگر با سقوط دولت طالبان در سال 2001 به قوای اتحاد شمال و بخصوص شورای نظار و حزب جمعیت موقع اشغال مجدد کابل را بدست داد. بدین ترتیب در سال های نخست جمهوریت تمام قدرت نظامی و سیاسی نزد اتحاد شمال بود. آنها با سوء استفاده از این حاکمیت دولتی، تمام شاهراگ های اقتصادی کشور را تصرف کردند. در ابتدای جمهوریت همه پشتون ها به طالب نسبت داده شده و در لست سیاه قرار گرفتند. بطور مثال حتی برای پشتون ها به خصوص سمت لوی کندهار و لوی پکتیا اجازه دخول به میدان هوایی بگرام که مرکز لوژستیکی نیروهای امریکایی بود برای شرکت در داوطلبی های قراردادهای تجارتي، خدماتی، ترانسپورتي و غیره داده نمی شد (نجیب آزاد). تمام قرارداد های نیروهای امریکایی و ناتو که از بگرام سرچشمه می گرفتند بدست زورمندان و وابستگان آنها در ولایات شمالی: پروان، پنجشیر و کاپیسا، و بخصوص فامیل جنرال بابا جان (رحمانی ها) قرار گرفت. بعداً این ها قرار های دست دوم و سوم شان را که خود قادر به اجرای آنها نبودند به قیمت های نازل برای پشتون ها و اقوام دیگر می فروختند. بک تعداد تاجران پشتون که در بگرام می خواستند مستقل کاروبار نمایند ترور شدند مثلاً حاجی فاروق لغمانی (تاجر پرزه جات چاپانی و مارکیت در قوای مرکز) و پسر حاجی خان هزاربوز که در شهر نو ترور شد.

نظر به نفوذ انحصاری شورای نظار و اتحاد شمال از شروع جمهوریت الی سقوط آن در سکتور دفاعی و امنیتی، تمام قرارداد های مربوطات وزارت های دفاع، داخله و امنیت ملی (که بزرگترین قرارداد های صد میلیون دلاری بودند) بدست زورمندان و وابستگان آنها از همین سه ولایت پنجشیر، پروان و کاپیسا افتاد، مثلاً قرارداد های محروقات، اعاشه و اباطه، البسه، قرطاسیه... و غیره. مثال های حاجی رسا و وارسته گروپ بود.

متأسفانه احصایه های عاید فی نفر و عاید خانوار در دسترس نیستند تا ولایات را با توجه به عاید مردم مقایسه نماییم. اما یک تعداد احصایه های اقتصادی و اجتماعی توسط اداره ملی احصایه و معلومات جمع آوری و در نشریه "نمایه ولایاتی افغانستان سال ۱۳۹۷" نشر شده اند که حاوی معلومات در مورد نرخ سواد ۱۵ تا ۲۴ سال، نرخ سواد ۱۵ سال به بالا، زنان مراجعه کننده به مراکز صحي، زنان ۱۵ تا ۱۹ سال متأهل، شاخص سواد جنسیتی ۱۵ تا ۲۴ ساله، درصد زنان امیاق دار در مناطق روستایی ۱۵ تا ۴۹ سال، نرخ اشتغال به نفوس، نرخ بیکاری، نرخ مشارکت در کار، نرخ فقر، درصد دسترسی خانوار به برق، اندازه خانوار، تلفن موبایل به ازای هر ۱۰۰ نفر، درصد خانوارهای دارای مالکیت زمین. با استفاده از این احصایه ها یک شاخص واحد اقتصادی-اجتماعی برای هر ولایت حساب شده است

(مراجعة شود به سخنرانی داکتر نوراحمد خالدي در سیمینار علمی انجمن تاریخ افغانستان، یوتوب، 30 جنوری 2025). خلاصه این تحلیل مقایسوی برای ولایات شمال-شرقی و جنوب-شرقی در جدول ضمیمه ارائه گردیده است.

در جدول دیده می شود که شاخص انکشاف اقتصادی و اجتماعی در هفت ولایت شمال-شرقی (66) است. این ولایات عمدتاً دری زبان اند که شامل کاپیسا، پروان، پنجشیر، بغلان، کندز، تخار و بدخشان می باشند. در مقایسه شاخص انکشاف اقتصادی و اجتماعی در هفت ولایت جنوب-شرقی (65) است. این ولایات عمدتاً پشتون نشین بوده شامل ولایات لوگر، میدان و وردگ، پکتیا، ننگرهار، لغمان، کنر ها و نورستان اند.

فراموش نکنیم در حالیکه رهبران این گروه ها به قارونهای زمان مبدل شدند، اکثریت مردم این ولایات همچنان در حالت فقر و تنگدستی حیات بسر میبرند. بطور مثال میزان فقر در هفت ولایت شمال شرقی 53.7 فیصد است این میزان در هفت ولایت جنوب-شرقی 60.43 فیصد میباشد.

در سکتور ساختمانی بزرگترین قرارداد های نیروهای نظامی امریکا و ناتو برای مردم شمال داده شد و در ضمن بزرگان شان چون فهیم، قانونی، عطا و غیره با خارجی ها در تماس بوده وابستگان و مردم قوم خود را معرفی می کردند.

تمام قرارداد های اعاشه و ابطه در قوماندانی های امنیه و قول اردو های ولایات به شمول کارهای ساختمانی برای در دست اول به مردم شمال داده می شد و بعداً برای مردم دیگر ولایات بشکل قراردادهای دست دومی و دست سومی داده می شد.

تمام قرار داد های لوژستیک، مواد خوراکی و غیره سفارت امریکا، سفارت های اروپایی و سایر سفارت ها بدست مردم ولایات شمال به خصوص سه ولایت شمالی بود.

تمام قوماندان ها و مردم این سه ولایت خانه های خود را به قیمت های گزاف برای سفارت ها و شرکت های خارجی به اجاره داده بودند. حتی کرایه یک منزل برای سایر سفارت ها در ابتدا الی ۱۶۰ هزار دالر در سال بود که در سالهای اخیر جمهوریت به ۶۰ هزار دالر تقلیل یافته بود.

در منطقه شیرپور شهر کابل در عقب غضنفر بانک فعلی یک منزل به مساحت ۲ جریب مربوط به احمد شاه مسعود بود که توسط پسرش به شرکت امنیتی بلک ووتر ماهانه به ۵۵ هزار دالر به کرایه داده شده بود و بعد از خروج بلک ووتر آنرا محمود فضلی برای کمپاین اشرف غنی به کرایه اخذ کرده بود. منزل صلاح الدین ربانی نزد سفارت تاجیکستان به کرایه بود و به همین طور منزل احمد ضیا مسعود و سایرین...

تمام زمین های دولتی شهر کابل از قلعه مراد بیگ الی سرکوتل خیر خانه، هزاره بغل، قصبه الی عقب میدان هوایی، سرای شمالی و ده کیپک، تپه باغ بالا الی کانتی ننتال، کوه افشار الی قرغه، واصل آباد و گذرگاه، تپه مرنگان الی قلعه احمد خان، تمام ساحات سبز لب جر و خیرخانه و همین طور هزارها هکتار زمین های کابل توسط مردم پنجشیر و مردم همین سه ولایت شمالی غضب و با اعمار شهرک های رهائشی-تجارتی فروخته شدند. همین سلسله غضب در سایر ولایات تحت کنترول شان نیز ادامه داشت.

سکتور مخابرات که بزرگترین سکتور تجارت است بدست اقوام غیر پشتون افتاد که در آن امریکایی ها و اروپایی های رول داشتند مثلاً شرکت روشن از آغا خان و افغان بی سیم از بیات بود.

سکتور میدیا هم بدست اقوام غیر پشتون داده شد مثلاً طلوع و موبی گروپ به برادران محسنی، آریانا از بیات، یک از فهیم هاشمی، خورشید از هارون (از پروان)، تلویزیون های آرزو از عطا، و تلویزیون های محقق، ربانی و غیره. این سکتور ها سالانه صد های میلیون دالر از طریق سفارت امریکا، یوایس ای آی دی، اتحادیه اروپا و انترفاکس تمویل می شدند. به همین ترتیب تمام رادیو های ملی و محلی که توسط دونه ها فند شده بودند به اقوام غیر پشتون داده شدند.

سکتور تیل و گاز که یکی از بزرگترین سکتور های تجارتی است بدست مردم پنجشیر و ولایات شمال افتاد مانند حسین فهیم (گازگروپ)، احمد یار، رحمانی گروپ، یما پترولیم...و غیره.

سکتور هوایی مانند کام ایر، پامیر، افغان جیت و غیره همه بدست اقوام غیر پشتون بودند که تا حاک ادامه دارند.

سکتور بانکی مانند بانک های AIB افغان انترنشنال بانک، کابل بانک و غیره بدست صاحبان غیر پشتون بود.

تمام سکتور معادن چون در ولایات شمال قرار داشتند بدست مردم شمال، وکلای پارلمان آنها و قوماندانهای شان بود.

در سکتور امنیتی تمام قرارداد های حفاظت از کانونی های نیروهای خارجی بدست مردم شمال بود و اکثریت شرکت های امنیتی توسط مردم شمال ساخته شد و تمام قرارداد های سیکورتی نیروهای خارجی و سفارت خانه ها و ملل متحد را اخذ کردند که بالغ به صدها میلیون دالر می شد.

در سکتور ترانسپورت تمام قرارداد های انتقال اموال نیروهای امریکای و ناتو در درجه اول به شرکت های مردم شمال داده می شد که حتی تعداد موثر های باربری شان به هزار ها می رسید مانند حاجی نجیب. بعدا قرارداد های فرعی درجه دوم و درجه سوم به ترانسپورت های مردم پشتون به نرخ ازران فروخته می شد.

در سکتور ساختمانی نیز تمام قرار داد های ساختمانی و سرک سازی توسط پی آر تی های ولایتی به خصوص بگرام دست اول بدست مردم پنجشیر و سه ولایت شمالی بود. این قراردادها مشمول تعمیر های قول اردو ها، قوماندانی های امنیه، تعمیر های کمپلکس ولایتی و غیره نیز بود که بعدا از طریق به سب کانترک یا قراردادهای فرعی دومی و سونی به دیگران داده می شدند. یک پروگرام به نام NSP در وزارت داخله بود که تمام قرارداد های آن را مردم شمال می گرفتند.

در سکتور شهری نیز مناطق معروف سابقه چون کارته سه، کارته چهار، خوشحال خان، شاه شهید و کارته نو و احمد شاه بابا مینه حتی سرچوک و مرکز شهر رشد داده نشدند، بلکه مناطق تاجیک نشین و هزاره نشین چون کلوه پشته، تایمنی، لب جر، خیرخانه الی سرکوتل انکشاف داده شدند و این کار عمدی بود. زمین درین مناطق یک بسوه به لک ها دالر رسید. ۶۰ فیصد بلند منزل ها درین مناطق مربوط به مردم سه ولایت شمالی می باشند. تمام بودجه شاروالی شهر کابل در ۲۰ سال صرف برای همین مناطق اختصاص داده می شد و نواحی دیگر شهر کابل ازین مزیت بی بهره بودند.

در ابتدای جمهوریت یک شاروال به اسم انور جگدک که مربوط به جمعیت (شورای نظار) بود، ۹۰ فیصد ساحات تجارتي شهر کابل و مناطق بلند منزل ها را برای مردم پنجشیر و سه ولایت شمالی به قیمت نازل دولتی توزیع کرد که فعلا تمام این بلند منزل های تجارتي و رهايشی مربوط به همین مردم می باشند.

تعداد بلند منزل ها در مناطق قوای مرکز، پروان سوم، سرای شمالی الی سرکوتل خیرخانه الی قلعه مراد بیگ که به هزار ها بلند منزل تجارتي و رهايشی میرسد مربوط به سه ولایت شمالی و بخصوص مردم پنجشیر است.

تمام تجارت های کوچک و متوسط بدست مردم هزاره و تاجیک افتاد. ۶۰ فیصد دوکانداران مندوی کابل هزاره، ۳۰ فیصد تاجیک و ده فیصد پشتون اند.

تمام کسب و کار و مارکیت های تجارتي، مسایل تخنیکي و فنی به نواحی غیر پشتون شهر کابل انتقال داده شد.

چون وزرای خارجه در ابتدا اکثرا از شورای نظار بودند، مامورین وزارت خارجه و تمام سفارت ها و قونسلگری های افغانستان در خارج مربوط به مردم شمال بودند که تمام عواید سفارت ها و قونسلگری ها در ۲۰ سال غارت شدند الی اینکه اشرف غنی درین مورد اقدام کرد.

مناطق پشتون نشین اکثرا نا امن بودند و زمینه های فعالیت های اقتصادی و اجتماعی مانند معارف و خدمات صحتی در آنها مساعد نبود. نا گفته نماند که در بیست سال جمهوریت مردم ولایات پشتون نشین به نسبت امنیت خراب و یا هم به نسبت تعصب و توطئه از تعلیم و تربیه به عقب ماندند، مکاتب و پوهنتون ها در ولایات شان ساخته نشدند و تعداد کسانی که از طریق کانکور به پوهنتون ها باید راه میآفتند خیلی کم و محدود بود.

در سکتور صحت هم هذالقیاس کلنیک ها و شفاخانه ها زیاد در ولایات پشتون نشین ساخته نشدند و به موضوعات صحتی شان توجه صورت نگرفت و سیستم های صحتی در ولایات پشتون نشین در وضعیت خیلی خراب می باشد.

شواهد بالا نشان میدهند که کوشش خاصی توسط امریکاییان و سائر متحدان بین المللی آنها صورت گرفت تا یک قشر وابسته سرمایه دار در افغانستان ایجاد گردد که حافظ منافع غرب در افغانستان باشند. بعد از بیست سال موجودیت در افغانستان و ایجاد هزاران ان جی او، دیده می شود که این قشر خاص سرمایه دار همان عناصری هستند که امریکاییان عملیات زمینی سقوط دولت امارت اسلامی دور اول طالبان را در سال ۲۰۰۱ به آنها (اتحاد شمال) اجازه داده واحد های خاص کوماندوی امریکایی و انگلیسی را در واحدهای نظامی آنها نصب کردند تا انتقال ملیونها دالر پول نقد، و تجهیزات نظامی به این گروهها تسهیل گردیده و امور سوق و اداره عملیات زمینی و هم آهنگی با عملیات هوایی را به عهده بگیرند. بعد از به قدرت رساندن این گروهها سرمایه داریهای وسیعی برای حمایت تبلیغاتی از این گروهها با ایجاد رسانه های تلویزیونی، رادیویی، چاپی و اینترنتی صورت گرفت.

نصب حامد کرزی پشتون تبار در رأس اداره انتقالی ناشی از واقعیت انکار ناپذیر است که پشتونها بزرگترین و تأثیر گذار ترین واحد قومی نفوس افغانستان و هویت تاریخی دولت افغانستان بود نه حاتم بخشی امریکاییان. به حامد کرزی چندین بار توسط قسیم فهیم و یونس قانونی یاد آوری گردید که ادامه موجودیت او در رأس قدرت دولتی وابسته به سر سپردگی او به منافع و نفوذ اتحاد شمال و چشم پوشی او از تاراج کشور توسط این گروه میباشد که متأسفانه موصوف نیز اجابت نمود.

بی سبب نیست که دیری نگذشت رهبران این گروهها به قارونهای زمان مبدل شدند، و با دانش کامل از موقف عبوری خود در تاریخ دولتهای این سرزمین، عدم وابستگی عاطفی خود را به افغانستان و ملت افغان تبارز داده از هر فرصتی برای زر اندوزی، شکستن نظام دولتی، شکستن وحدت ملی، شکستن سمبولهای ملی و شکستن هویت ملی افغانستان

استفاده کردند. لطیف پدram در یک خطابه تلویزیونی در سال ۲۰۱۵ اظهار داشت: "افغانستان را باید بصورت رادیکال عوض کنیم و با استفاده از فرصت هائیکه نیروهای بین المللی برای ما فراهم کرده سمبول های ملی را بشکنیم، ساختمان دولت افغانستان را بشکنیم، نیروهای محلی ایجاد کنیم و در ولایات غیر پشتون اعلان خودمختاری کنیم."

هرگاه افغانستان یک کشور باسواد و پیشرفته صنعتی غیر عنعنوی میبود، انتقال حاکمیت سیاسی از پشتونها به سایر اقوام میتوانست بر مبنای اصول دموکراتیک از راه انتخابات آزاد صورت بگیرد. اما متأسفانه چنین نیست در افغانستان عمیقاً عنعنوی به گفته پروفیسور امین صیقل "مداخله نظامی امریکا و متحدین آن سبب به قدرت رسیدن اقلیتهای غیر پشتون در افغانستان شد" و حالا این اقلیتهای غیر پشتون حاضر نیستند، طوریکه اخیراً ملاحظه کردیم، این "قدرت سیاسی" را از راه انتخابات دوباره با پشتونها شریک بسازند. ناگزیر طوریکه دیده شد عبدالله عبدالله نتایج سه انتخابات پیهم ریاست جمهوری را قبول نکرد.

بیجهت نیست که لطیف پدram اظهار داشت با استفاده از فرصتهایی که نیروهای بین المللی فراهم کرده اند بهتر است کار را یکطرفه کنیم و در ولایات غیر پشتون اعلان خودمختاری کنیم. از محمد سعیدی در وبلاگ "هزاره پیوند" میخوانیم که: "ناکی باید خاموش باشیم تا مبادا دیو از خواب بیدار شود. دیو که بالاخره آخرش از خواب بیدار میشه". اما دیو بالاخره از خواب بیدار شد!

جدول ضمیمه: درجه بندی ولایات از نظر شاخصهای اقتصادی و اجتماعی (2018)

ولایات	تعداد نفوس 2022-23	فیصدی نفوس در سطح فقر	شاخص اقتصادی-اجتماعی	تمایل سیاسی			درجه بندی از نظر شاخص اقتصادی و اجتماعی
				2014 % انتخابات عبدالله عبدالله	2014 % انتخابات اشرف غنی	اکثریت آرا به نفع	
کاپیسا	505,510	45.2	68	87.4%	12.6%	عبدالله	ممتاز
پنجشیر	175,910	25.1	68	93.6%	6.4%	عبدالله	ممتاز
پروان	764,580	56.3	67	86.1%	13.9%	عبدالله	خوب (متوسط)
کنډز	1,184,030	66.4	65	42.4%	57.6%	غنی	خوب (متوسط)
بدخشان	1,091,760	81.5	64	79.3%	20.7%	عبدالله	خراب
بغلان	1,053,200	31.2	64	55.2%	44.8%	عبدالله	خراب
تخار	1,133,570	70.2	66	52.2%	47.8%	عبدالله	خوب (متوسط)
مجموع شمال-شرق	5,908,560	53.70	66	70.9%	29.1%		
میدان و وردگ	683,540	60.4	68	20.9%	79.1%	غنی	ممتاز
لوگر	449,820	39.0	64	9.2%	90.8%	غنی	خراب
پکتیا	633,880	73.7	65	8.1%	91.9%	غنی	خوب (متوسط)
لغمان	510,930	76.5	65	14.2%	85.8%	غنی	خوب (متوسط)
ننګرهار	1,769,990	50.7	66	22.4%	77.6%	غنی	خوب (متوسط)
کنرھا	517,190	61.8	63	12.0%	88.0%	غنی	خراب
نورستان	169,580	60.9	63	70.7%	29.3%	Abdullah	خراب
مجموع جنوب-شرق	4,734,930	60.43	65	22.5%	77.5%		
مجموع افغانستان	32,763,920	58.5	66	45.0%	55.0%		خوب (متوسط)

منبع: مراجعه شود به سخنرانی داکتر نور احمد خالدي در سیمینار علمی انجمن تاریخ افغانستان، یوتوب، 30 جنوری 2025.

آرشیف: مطالب نشر شده نور احمد خالدي